

مقاله پژوهشی

پیوست فرهنگی در طرح توسعه دیوار ساحلی شهر پلدختر در استان لرستان

فریبا بهرامی پور^۱؛ علی اکبر رضایی^۲؛ خدیجه نوری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۷

چکیده

هدف این مطالعه، بررسی پیوست فرهنگی پروژه دیوار ساحلی شهر پلدختر است. با توجه به اهمیت و جایگاه تاریخی و اجتماعی- فرهنگی این شهر و قرار گرفتن آن در خطوط مواصلاتی و گردشگری کشور، شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مدل پیوست فرهنگی دیوار ساحلی مورد نظر است. روش تحقیق، ترکیبی متوالی (کیفی-کمی) است. در بخش کیفی، از تحلیل محتوای مقالات مرتبط استفاده شد. جامعه آماری در بخش کمی شامل اساتید، صاحب‌نظران و مدیران فرهنگی در شهرستان پلدختر و استان لرستان است، که تعداد ۹۹ نفر، به صورت تصادفی ساده در نمونه آماری قرار گرفتند. ابزار گردآوری، پرسشنامه محقق ساخته با ۳۸ گویه بود و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار Smart PLS3 و تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی صورت گرفت. آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی برای همه متغیرها، بزرگتر از ۰/۷ و روایی همگرا بزرگتر از ۰/۵ بود. نتایج نشان می‌دهد مدل پیوست فرهنگی مذکور دارای ۷ بعد می‌باشد که به ترتیب ضرایب تأثیر عبارتند از: توجه به هویت ایرانی- اسلامی (۰/۲۸۲)، امنیت فیزیکی - ذهنی (۰/۲۵۱)، جذابیت طبیعی (۰/۲۱۶)، گسترش روابط اجتماعی (۰/۱۶۳)، به کارگیری نمادها و نشانه‌های ملی و بومی (۰/۱۲۲)، خلاقیت در طراحی (۰/۰۵۹)، و عدالت در دسترسی عمومی (۰/۰۴۳) می‌باشد که از اعتبار و روایی مناسبی برخوردار است.

واژه‌های کلیدی: استان لرستان؛ پلدختر؛ پیوست فرهنگی؛ توسعه، دیوار ساحلی.

^۱. دکتری مدیریت فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران، تهران، ایران (نویسنده مسؤول).

Farhng.bahrami@yahoo.com

^۲. استادیار مدیریت شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران، تهران، ایران.

Sun19717@yahoo.com

^۳. کارشناسی ارشد مدیریت سوانح، دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

fahim_fahimn@yahoo.com

مقدمه

اجرای پروژه‌های عمرانی و سیاست‌های توسعه‌ای در جامعه، موجب ایجاد تغییرات و دگرگونی‌هایی در حوزه‌های مختلف حیات جمعی و فردی می‌شود. برآورد پیامدهای این برنامه‌ها نقش مهمی در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کلان اجرای پروژه‌ها و طرح‌های ملی و شهری ایفا نموده است و یکی از راه‌های رسیدن به اهداف توسعه‌ی پایدار است. امروزه در برخی از پروژه‌های عمرانی، بی‌توجهی به مفاهیم اجتماعی، فرهنگی و محیطی در ساخت و سازها، در قالب یک رابطه‌ی کمی، یعنی ارتباط کمی و عددی انسان از نظر اقتصادی مورد سنجش قرار می‌گیرد. به این ترتیب توجه به ارزش‌ها و مفاهیم اجتماعی و فرهنگی، کمتر مورد توجه واقع شده است (جلیل پور اقدم، ۱۴۰۲). در حالی‌که این روند در بسیاری از کشورها به صورت داده‌های پایه‌ی فرهنگی و مردم‌شناختی در مهندسی فرهنگی - اجتماعی (کلان) کشورشان به طور مستمر مورد استفاده قرار می‌گیرد (صمدی و احمدی، ۱۳۹۶).

بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران، فرایند ارزیابی آثار طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی در گذشته شامل بررسی پیامدهای زیست محیطی، اقتصادی و فنی بوده است. اما در حال حاضر ارزیابی‌های فرهنگی - اجتماعی و پیوست فرهنگی پروژه‌ها اهمیت روز افزونی یافته است. در نتیجه می‌توان گفت همه‌ی عناصر شهری به طور مستقیم و غیر مستقیم از فرهنگ متأثر می‌شوند و در مواردی نیز بر آن اثر می‌گذارند (ابراهیم پور، ۱۴۰۲). از آنجا که مفهوم پیوست فرهنگی به پیامدهای هر نوع اقدام یا سیاست جمعی یا خصوصی افراد انسانی گفته می‌شود که تا اندازه‌ی زیادی بر ارزش‌ها، هنجارها، باورها، نهادها، سبک زندگی، کار، جامعه‌پذیری و سازماندهی آن‌ها تأثیر می‌گذارد، بنابراین هدف اصلی پیوست فرهنگی، توجه به همه‌ی ابعاد می‌باشد (ساگانا^۱، ۲۰۲۳: ۴).

ایجاد ساز و کارهایی برای شناخت و تعریف شاخص‌ها و ابعاد مداخلات برنامه‌ریزی شده با توجه به ویژگی‌های بومی، می‌تواند هزینه‌های جانبی اعم از زیست محیطی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را کاهش دهد و در نتیجه اهداف توسعه را محقق سازد. گاهی اوقات این ساز و کارها نیازمند باز طراحی و تغییرات اساسی در ساختار خود است و در برخی از مواقع نیز انجام تغییرات جزئی کفایت می‌کند (شربتیان، ۱۳۹۲: ۱۰۲).

در ایران با توجه به تأکید نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور، سیاست‌های کلی نظام در بخش فرهنگ و همچنین برنامه‌ی توسعه‌ی پنجم و ششم؛ بر لزوم انجام پیوست فرهنگی و با توجه به

^۱.cultural attachment

^۲.Sagana

پیامدهای برنامه‌ها، سیاست‌ها و طرح‌های توسعه، فعالیت‌هایی از جمله تدوین دستورالعمل اجرایی برای عملیاتی کردن آن انجام شده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲).

از سوی دیگر، تجارب اجرای برنامه‌های توسعه در کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد که عدم توجه به ابعاد و رابطه صحیح بین قطب‌های توسعه با فرهنگ، علاوه بر آن که رشد کمی و کیفی را محدود می‌سازد، در بلند مدت به دلیل توسعه نامتوازن، موجب عوارض منفی فرهنگی و اقتصادی می‌گردد. بنابراین شناسایی تمامی عوامل تأثیرگذار و تأثیرپذیر اجتماعی - فرهنگی در اجرای پروژه‌های عمرانی، از آن جهت اهمیت دارد که با درک صحیح از مسائل پیشرفت، می‌توان با اقداماتی آگاهانه، راهبردهای سازگار و برخاسته از فرهنگ بومی و ایرانی - اسلامی را طراحی کرد و در برنامه پیشرفت مورد توجه قرار داد (امامی ۱۳۹۹: ۱۴۶).

بدیهی است پیوست فرهنگی علاوه بر این که بیانگر ایفای نقش ابزاری آن، در قالب ضمیمه‌های معنادار برای شفاف سازی وضعیت تصمیم‌گیری مدیریت و اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها است، در دقتی مفهومی، نشانگر پیوند سیستمی و تعاملات غیر قابل چشم پوشی میان ابعاد مختلف اجتماعی - فرهنگی نیز محسوب می‌شود و می‌تواند بهترین ابزار برای استاندارد سازی و کاهش عوارض یک طرح و برنامه در چارچوب تدابیر از پیش مشخص شده و همچنین سنجش کیفیت و کارآمدی و میزان توازن یک طرح و برنامه با سایر ابعاد اجتماعی - فرهنگی تلقی شود (رضایی، ۱۳۹۸: ۷۵).

همچنین تحلیل سیستمی بیانگر این است که محیط شهر، فقط یک سیستم کالبدی یا طبیعی نیست، بلکه بستر اصلی زندگی فردی و جمعی انسان‌ها است. بنابراین مکانی برای تحقق ارتباطات و تعاملات اجتماعی، بروز خلاقیت‌ها، تقویت هویت ملی و دینی و یادگیری از نمادها و نشانه‌های مرتبط با مفاخر علمی، فرهنگی، اجتماعی آنان محسوب می‌شود. از این نظر، برنامه - ریزی باید فراتر از اهداف کالبدی و کارکردی، به نیازهای اجتماعی - فرهنگی مردم پاسخ گوید (برج^۱، ۱۳۹۰: ۲۸).

از سوی دیگر، اجرای پروژه‌های عمرانی و سیاست‌های توسعه‌ای، با رویکرد پیوست فرهنگی، باعث دگرگونی متغیرهای فرهنگی خواهد شد. این تغییرات، طیفی از ارزش‌ها و باورهای شهروندان را شامل می‌شود. بنابراین لازم است قبل از اجرای این طرح‌ها در سطح جامعه، مدیران به شناسایی مؤلفه‌های فرهنگی بپردازند و با توجه به معیارهای به دست آمده به اجرای طرح‌های عمرانی و اقتصادی اقدام کنند.

¹. Rabel. G. Borg

همچنین فرایند پیوست فرهنگی در کاهش تضادهای فرهنگی و نهادینه شدن مشارکت همه-جانبه و پایدار شهروندان، نقش بارزی دارد. با ایجاد چنین زمینه‌هایی در سطح جامعه می‌توان نقش مهمی در مدیریت و نظارت‌های اجتماعی و فرهنگی داشت (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲).

در همین راستا و با توجه به اهمیت اجرا و توسعه پروژه دیوار ساحلی شهر پلدختر، بعد از سیل فروردین ماه ۱۳۹۸ در استان لرستان و جایگاه اجتماعی و فرهنگی این شهر از گذشته تا به حال و قرار گرفتن آن در خطوط مواصلاتی مهم کشور و اهمیت فضای گردشگری و فرهنگی-اجتماعی آن، در مطالعه حاضر، هدف اساسی، شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های تأثیرگذار در مدل پیوست فرهنگی پروژه عمرانی دیوار ساحلی در شهر پلدختر در استان لرستان است. در ضمن، دیوار ساحلی، عنوان دیواری است به طول بیش از ۲۳۰۰ متر بر روی رود کشکان در شهر پلدختر، به منظور جلوگیری از ورود سیلاب فصلی به شهر، طراحی و اجرا شده است. این دیوار علاوه بر ایجاد امنیت، پتانسیل اجرای نمادها و نشانه‌های بومی و ایرانی - اسلامی و اساطیر و طراحی‌های خلاقانه و نوآورانه فرهنگی - هنری و جنبه تقویت هویت‌بخشی و مکانی برای تعاملات اجتماعی را دارد. بنابراین با عنایت به مطالب فوق، سؤال اصلی در این پژوهش این است که ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدل پیوست فرهنگی دیوار ساحلی شهر پلدختر کدامند؟

پیشینه پژوهش

در زمینه موضوع مورد پژوهش در داخل و خارج از کشور، پژوهش‌های زیادی انجام شده است که برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

شربتیان (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی پیوست فرهنگی در حوزه مدیریت شهری»، به این نتیجه رسیده است که مدیریت شهری در کنار پاسداشت ارزش‌های حاکم بر شهرها باید سعی کند مشارکت پایدار شهروندان را در جهت نهادینه کردن ارزش‌های انسانی - اسلامی تثبیت کند. این کار، از طریق اجرای پیوست‌های فرهنگی در این حوزه انجام می‌شود.

علی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی پروژه ارتقاء کیفی میدان مشق تهران» بیان کردند که تأثیرات ساماندهی میدان مشق، به مقدمه‌ای برای ثبت جهانی این میدان تبدیل شده است و زمینه‌ساز تغییرات بنیادی برای احیاء هویت واقعی این میدان به مثابه کانون گردشگری شده است. همچنین نتایج حاصل از این طرح، بسته به نوع سناریوهای احتمالی، نشان‌دهنده احترام به ماهیت تاریخی این اثر از طریق حفظ اصالت تاریخی در کاربرد نوع مصالح و مواد اولیه به کار گرفته در این طرح است. اجرای این

طرح، پیامدهای فرهنگی و اجتماعی متعددی داشته است که هویت بخشی به منطقه (۱۲) تهران در قالب طرح گذر فرهنگی بخشی از این پیامدها است.

علی آبادی و بابایی (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل تأثیر طرح های توسعه شهری بر ساختار فضایی خرد و کلان شهرها، مطالعه موردی طرح محور زینیه شهر زنجان»، وجود گسست فضایی و انزوای کالبدی را نتیجه اجرای طرح های توسعه شهری در محله ها می دانند. جهان بخش و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «تبیین جایگاه پیوست نگاری فرهنگی و بهره گیری از نظام مدیریت فرهنگی در شهر اسلامی ایرانی، مبانی نظری و فرآیند فکری سازنده شهر اسلامی»، نتیجه می گیرند که گسست فرهنگی و تزریق مؤلفه های غیر بومی در پیکره شهرهای اسلامی - ایرانی در دهه های اخیر به نبود راه مشخص و الگوی توسعه برمی گردد.

فاضلی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «پیوست اجتماعی - فرهنگی در مدیریت شهری تهران»، ضمن برشمردن ضرورت تدوین این پیوست برای پروژه ها، برنامه های مدیریت شهری، چالش ها و موانع اجرایی را تشریح کرد و به این نتیجه رسید که، اولویت ها به ترتیب مفهومی، ساختاری و عملیاتی بوده است. همچنین، در پروژه های زیربنایی حمل و نقل شهری، اهمیت دادن به مشاوران اولیه و مشارکت جامعه و همچنین تأثیرگذاری بیشتر تصمیم گیری ها در زیرساخت های حمل و نقل شهری را بیان می کند.

در حوزه بین المللی از جمله پژوهش هایی که در این موضوع صورت گرفته است، می توان به موارد زیر اشاره نمود:

لندری^۱ (۲۰۲۳) در تحقیق خود با عنوان «شاخص شهر خلاق، راحت یا جذاب، ارزیابی در پالمستون شمالی» برای ارزیابی شاخص های شهر خلاق، از شاخص های ده گانه استفاده کرده است. شاخص های زیست پذیری و میزان آسایش و رفاه شهری در رتبه اول قرار گرفته است و شاخص های ارتباطات و شبکه های ارتباطی شهری در رتبه دوم قرار گرفته اند و شاخص زیست محیطی در رتبه سوم قرار گرفته است.

روتمنز و آسلت^۲ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «سیاست ها و نوآوری ها در کشورهای در حال توسعه» عقیده دارند که مدیریت شهرها نیازمند استفاده از ابزارهای برنامه ریزی پیشرفته و نوآورانه ای است که بتواند شرایط موجود شهرها را به درستی بررسی کند و توسعه مورد نیاز آینده را پیش بینی کند.

^۱. Landry

^۲. Rothmans and Aslett

با توجه به چالش‌های موجود در زمینه نقش مدیریت شهری در هویت مکانی فضایی، به نظر می‌رسد پیوست‌های اجتماعی- فرهنگی پروژه‌های شهری یکی از اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر آن است که با این حال، در پژوهش‌های پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته است و اغلب این پژوهش‌ها نقش مدیریت شهری را در شکل کلی آن بررسی کرده‌اند؛ در حالی که از متغیر پیوست‌های اجتماعی- فرهنگی غافل بوده‌اند.

چارچوب نظری

نظریه‌های پیوست فرهنگی

در حوزه بحث پیوست فرهنگی، تلفیق دو نظریه نوسازی و تأخر فرهنگی می‌تواند بیانگر بخشی از دیدگاه‌های مورد نظر در این بحث باشد. «نوسازی» به معنی مرحله انتقالی از جامعه سنتی به جامعه صنعتی است. در این انتقال، تحول ساختاری رخ می‌دهد؛ ارتباطات، مبنا و معیار دیگری پیدا می‌کنند؛ ارزش‌ها، نهادها و هنجارهایی که الزامات و نیازهای ساختار جدید را تأمین کنند، به وجود می‌آیند. الگوهای جدید زندگی همراه با سبک‌های تربیتی خاص خود نمایان می‌شوند. تراحم ارزش‌های مدرن و سنتی در سطوح مختلف انتظارات و نیازهای جدید و پذیرش و تعریف جدیدی جمع‌گرایی یا فردگرایی از الزامات نوسازی است.

«تأخر فرهنگی»^۱ نیز محصول این فرایند است. نظریه پردازان نوسازی معتقدند که در خلال این دوران، سه دسته از مسائل مطرح می‌شود: الف) گروهی معتقد به موانع معرفتی و تضاد معرفتی در این دوره هستند؛ به این معنا که نوسازی ساختار معرفتی جامعه را آشفته می‌کند و با ابهام مواجه می‌کند. در همین زمینه، هانتینگتون^۲ نیز مدعی است که روندهای مدرنیزاسیون به عنوان منبعی برای تغییر ارزش‌ها در جوامع مختلف، عمل کرده است و اولویت‌های ارزشی به طور اجتناب ناپذیری در نتیجه مدرنیزاسیون تغییر کنند.

ب) گروهی معتقدند که گذران ایام نوسازی، تشتت ارزشی و تحولات اجتماعی- فرهنگی نسبتاً عمیقی را با خود به همراه دارد و به اصطلاح عده‌ای، سبک‌های زندگی و سبک‌های مصرف در حوزه‌های گوناگون تغییر می‌کند و این ایام را دوران گذار و تحول ارزش‌ها نام نهاده‌اند.

ج) گروهی معتقدند که گذران ایام نوسازی، فرهنگ وارداتی و ارزش‌های غیر بومی را وارد منظومه فرهنگی می‌کند. به زعم این گروه، هویت چند تکه می‌شود. این گروه معتقدند، نوسازی

^۱ cultural backwardness

^۲ Huntington

جوامع از این رهگذر، سعی در یک دست کردن و همگرایی ارزش‌های جهانی داشته است. بنابراین، نوسازی از دید این طیف، با خود، ارزش‌هایی را به ارمغان آورده است که این ارزش‌ها جهانی بوده است و همه نسل‌ها را در بر می‌گیرد (صدرا و قنبری، ۱۳۸۸: ۵۵)

اگبرن^۱ معتقد است که تحولات سریع عصر ما سازش و تطابق اجتماعی را دشوار کرده است. این واقعیت ناظر به حالت‌های تطابق انسان با فرهنگ و هماهنگی و سازش میان قسمت‌های مختلف یک فرهنگ است. اما آنچه از مفهوم تأخر فرهنگی، مورد نظر اگبرن است، مربوط به حالت دوم است. کلیه اجزای یک فرهنگ با هم تغییر نمی‌کند. برخی از عناصر فرهنگی سریع‌تر از دیگر جنبه‌ها پیش می‌رود و بقیه رشد کمتری دارد که نتیجه این امر، تأخر فرهنگی است و می‌تواند شرایط بروز بحران را در فرهنگ فراهم کند. اگبرن مفهوم تأخر فرهنگی را با مطالعه تأثیرات فناوری و آثار نوآوری‌ها بر تغییرات اجتماعی مطرح کرد. به اعتقاد او، اگر تغییرات اجتماعی تنش می‌آفریند، علت آن است که برای هم سازی نهادهای اجتماعی و یا افراد که از طریق فرهنگ خود در حاشیه نگه داشته شده‌اند، با پیشرفت‌های فنی و اکتشافات علمی، وقوع مقداری تأخر، اجتناب‌ناپذیر است (محسنی، ۱۴۰۲).

نظریه «تأخر فرهنگی» از آن جهت با بحث «پیوست فرهنگی» ارتباط دارد که یکی از نکات مهم مورد تأکید در بحث پیوست و یا یکی از اصول آن این است که برای هر اقدامی از جمله ورود فناوری‌ها و به کارگیری ابزار نوین در جامعه، باید متوجه و مراقب پیامدها و عواقب آن ابزار یا فناوری بود (ریترز^۲، ۱۳۸۴: ۱۳۸).

روش تحقیق

این تحقیق، جزء تحقیقات کاربردی است و روش انجام تحقیق در این پژوهش، ترکیبی متوالی (کیفی-کمی) می‌باشد. برای دستیابی به لایه‌ها و ابعاد موضوع از روش تحلیل محتوای کیفی و مصاحبه نیمه ساختاریافته جهت استخراج مفاهیم اولیه استفاده شد. در پژوهش حاضر بر اساس نتایج تحلیل محتوای کیفی متون مرتبط، مهم‌ترین شاخص‌های پیوست فرهنگی پروژه‌های عمرانی شناسایی شدند. در این مرحله به دلیل حجم زیاد مطالب حدود ۵۲ منبع به صورت هدفمند انتخاب شد. سپس از روش نمونه‌گیری هدفمند برای تعیین اعضای علمی پانل استفاده شد. برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز در خصوص میزان اهمیت هر یک از ابعاد مؤلفه‌ها و

^۱. Ogburn

^۲. Reatzer

شاخص‌ها بر مبنای روش نمونه‌گیری هدفمند در روش دلفی، ۱۵ نفر از خبرگان علمی در موضوع پیوست فرهنگی شناسایی شدند. پس از انجام روش دلفی، الگو تثبیت شد و با روش کمی در جامعه مورد نظر پژوهش، مورد آزمون قرار گرفت. جامعه آماری تحقیق، شامل ۱۳۰ نفر از اساتید، صاحب‌نظران و مدیران فرهنگی در شهرستان پلدختر و استان لرستان هستند که بر اساس جدول مورگان تعداد ۹۹ نفر به صورت تصادفی ساده به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شدند. ابزار گردآوری در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته با ۳۸ گویه بود که بر اساس تحلیل محتوا و الگوی مفهومی استخراجی از آن با روایی و پایایی مطلوب و زیر نظر متخصصان تهیه شد. پس از جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار Smart Pls3 و آزمون تحلیل عاملی، مؤلفه‌های تأثیر گذار و مؤثر، تفکیک شد، در تحلیل عاملی از دو روش اکتشافی و تأییدی استفاده گردید. برای تأیید روایی صوری پرسشنامه از نظرات متخصصان و اساتید استفاده گردید و برای تعیین پایایی آن از آلفای کرونباخ استفاده شد. مقادیر آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی برای همه متغیرها بزرگتر از ۰/۷ و همچنین مقدار روایی همگرا نیز برای همه متغیرها بزرگتر از ۰/۵ بود.

یافته‌های تحقیق

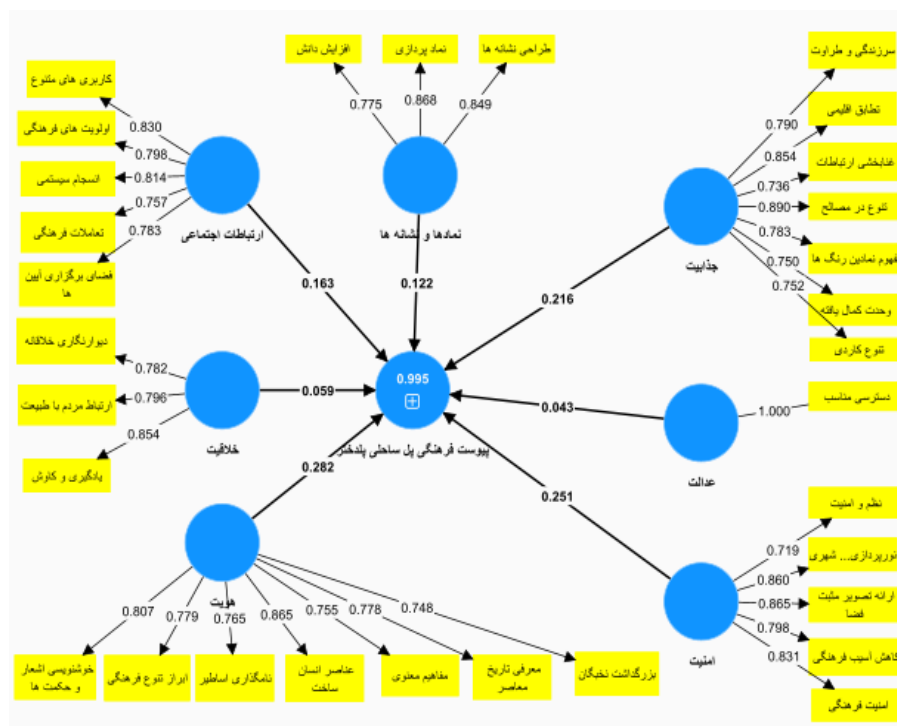
در طول تحلیل دلفی به پیشنهاد اعضای پانل جملات هم‌مفهوم با هم ادغام شدند و به صورت کلی سازماندهی و مرتب شدند و مفاهیم اصلی بر اساس نظریه‌ها و الگوهای مربوط استخراج و به تفکیک، در قالب مضامین اصلی و مؤلفه‌ها در ۷ بعد اصلی، ۱۴ مؤلفه و ۳۸ شاخص ارائه شده است.

جدول شماره یک- شاخص‌های پیوست فرهنگی پروژه‌های عمرانی شهر پلدختر

مفهوم	ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
پیوست فرهنگی	ارتباطات اجتماعی	توجه به تنوع قومی و	ایجاد کاربری‌های متنوع فرهنگی برای گروه‌های مختلف اجتماعی (کودکان سالمندان، بانوان و ...)
		نژادی	توجه به نیازها و اولویت‌های فرهنگی مردم بومی در پروژه دیوار ساحلی
		تعاملات اجتماعی	ایجاد ساختارهای منسجم و زنده پیرامون دیوار ساحلی
		تعاملات اجتماعی	در نظر گرفتن فضاهای مناسب برگزاری آیین‌ها و آداب هویت‌بخش جامعه
	خلاقیت	تعملات اجتماعی	ایجاد فضاهایی جهت تعاملات اجتماعی پیرامون دیوار ساحلی
		زیر ساخت	تقویت و ساماندهی دیوارنگاری خلاقانه در بدنه دیوار ساحلی
		های شهری نو آورانه	ایجاد فضاهایی برای ارتباط بیشتر مردم با طبیعت و تفکر خلاقانه
			تمرکز بر یادگیری و برانگیختن حس کنجکاوی در طراحی دیوار ساحلی

پیوست فرهنگی	هویت	هویت ایرانی	تأمین و تجهیز زیر ساخت‌ها جهت جذب افراد خلاق پیرامون دیوار ساحلی
			ایجاد و تداعی خاطرات عمومی در شهروندان به وسیله شاخص شهری
			استفاده از سبک‌های مختلف خوشنویسی در معرفی پروژه و استفاده از اشعار، حکمت-ها و نمادها در ذیل پروژه دیوار ساحلی
			توجه به تنوع فرهنگ‌های موجود و برگزاری جشنواره‌های بومی و نمایشگاه‌ها و همایش‌های سالانه در اطراف دیوار ساحلی پلدختر
			نام‌گذاری بر مکان‌ها بر اساس حافظه تاریخی شهر پلدختر اساطیر و نخبگان
		هویت اسلامی	بروز و ظهور نقوش اسلامی با محتوای کلام الهی و مفاهیم دینی به صورت خطوط و علائم هندسی در اطراف دیوار ساحلی پلدختر
			نام‌گذاری مبتنی بر مفاهیم معنوی، استفاده از احادیث و مفاهیم دینی مرتبط با کارکرد پروژه دیوار ساحلی
		هویت انقلابی	معرفی و آشنایی با تاریخ معاصر ایران و انقلاب اسلامی در قالب پروژه دیوار ساحلی
			بزرگداشت و معرفی نخبگان و قهرمانان به مردم پلدختر
			اشاعه ارزش‌های انقلابی در قالب پروژه دیوار ساحلی و نام‌گذاری، ساخت تندیس مفاهیم نمادین
			بزرگداشت و معرفی نام‌آوران بومی به مردم پلدختر
			ترویج ارزش‌های دفاع مقدس
			ترویج ارزش‌های ایثار، شهادت طلبی
	امنیت	امنیت فیزیکی	ایجاد نظم جهت حفظ امنیت شهر بر اساس قانون
			بررسی مکانی جرایم شهری و پیشگیری از آن‌ها با طراحی محیطی
	امنیت ذهنی	امنیت ذهنی	ایجاد تصویری مثبت از فضای دیوار ساحلی برای شهروندان
			پرهیز از به کارگیری عوامل آسیب‌زا بر روح و روان و فرهنگ مردم
			توجه به امنیت فرهنگی در طراحی پروژه دیوار ساحلی
			پیشگیری از قطب‌بندی شهر جهت دسترسی مناسب به امکانات عمومی
	عدالت	عدالت	مکان‌یابی مطلوب عناصر شهری از نظر کالبد و عملکرد
			توجه به عناصر طبیعی جهت سرزندگی و طراوت و شکل‌گیری فضاهای سبز
	جذابیت	عناصر طبیعی	شناخت ظرفیت‌ها و محدودیت‌های طبیعی با زمینه اقلیمی
			وجود آثار هنری برای تقویت و غنا بخشی ارتباط
		عناصر غیر طبیعی	تنوع در مصالح و جداره‌ها برای ایجاد غنای حسی در فضا
			توجه به مفهوم نمادین رنگ‌ها و جنبه روانشناسی آن‌ها
			وحدت در عین کثرت با اجزاء و تبدیل شدن به یک کل کمال یافته
			تناسب کارکردها با تصویر ذهنی شهروندان با توجه به بافت موجود
			توجه به تنوع کارکردی مکان و ارائه حق انتخاب بیشتر به کاربران

تأثیر عناصر عینی	نمادها و نشانه‌ها	به کارگیری المان‌های شهری جهت اطلاع‌رسانی و افزایش دانش عمومی
		توجه به نمادپردازی و فرهنگ شهروندی در اطراف دیوار ساحلی
		طراحی نشانه‌های ورودی به دیوار ساحلی با توجه به فرهنگ عامه شهر



نمودار شماره یک- مدل پژوهش

بر اساس نتایج به دست آمده در مدل فوق، به ترتیب بیشترین عامل مؤثر در پیوست فرهنگی دیوار ساحلی در شهر پلدختر، ایجاد هویت (۰/۲۸۲)، امنیت (۰/۲۵۱)، ایجاد جاذبیت (۰/۲۱۶)، فراهم سازی ارتباطات اجتماعی در اطراف دیوار ساحلی (۰/۱۶۳)، توسعه نمادها و نشانه‌های فرهنگ بومی و ایرانی-اسلامی (۰/۱۲۲)، پرورش خلاقیت (۰/۰۵۹) و توسعه عدالت فرهنگی (۰/۰۴۳) است.

شاخص‌های برازش مدل تحلیل عاملی تأییدی

با توجه به خروجی smart PLS^۳ می‌توان نتیجه‌گیری کرد که مدل به دست آمده در پژوهش که در نمودار شماره یک نشان داده شده است، مدل مناسبی از نظر شاخص‌های برازش

می باشد. کلیه شاخص های ارزیابی تناسب برازش مدل همراه با مقادیر آن ها، در جداول شماره دو به شرح زیر ارائه گردیده است.

الف- شاخص آلفای کرونباخ

جدول شماره دو- بررسی شاخص آلفای کرونباخ

مؤلفه ها	مقدار استاندارد شاخص	مقدار استاندارد در مدل مورد نظر	نتیجه گیری
ارتباطات اجتماعی	بیشتر یا برابر ۰/۷	۰/۸۵۷	برازش مدل مناسب است
امنیت	بیشتر یا برابر ۰/۷	۰/۸۷۴	برازش مدل مناسب است
جذابیت	بیشتر یا برابر ۰/۷	۰/۹۰۲	برازش مدل مناسب است
خلاقیات	بیشتر یا برابر ۰/۷	۰/۷۴۱	برازش مدل مناسب است
عدالت	بیشتر یا برابر ۰/۷	۰/۸۲۸	برازش مدل مناسب است
نمادها و نشانه ها	بیشتر یا برابر ۰/۷	۰/۷۷۶	برازش مدل مناسب است
هویت	بیشتر یا برابر ۰/۷	۰/۸۹۷	برازش مدل مناسب است

ب- شاخص فورنل و لارکر^۱ (روایی واگرا):

روایی واگرا^۲ میزان رابطه یک سازه با شاخص هایش، در مقایسه رابطه آن سازه با سایر سازه ها است. به طوری که روایی واگرای قابل قبول یک مدل حاکی از آن است که یک سازه در مدل، تعامل بیشتری با شاخص های خود دارد تا با سازه های دیگر. روایی واگرا، وقتی در سطح قابل قبول است که میزان آن برای یک سازه، بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن سازه و سازه های دیگر در مدل باشد. در روش فورنل و لارکر، جهت سنجش روایی واگرا، باید مقدار جذر میانگین واریانس استخراج شده^۳ متغیرهای پنهان مرتبه اول از مقدار همبستگی میان آن ها بیشتر باشد.

جدول شماره سه- ماتریس سنجش روایی واگرا به روش فورنل و لارکر پرسشنامه پیوست فرهنگی

نمادها و نشانه ها	عدالت	خلاقیات	جذابیت	امنیت	ارتباطات اجتماعی
امنیت				۰/۷۰۰	
جذابیت			۰/۷۸۴	۰/۶۷۱	
خلاقیات		۰/۵۸۷	۰/۷۴۵	۰/۶۲۸	

^۱ Fornell and Larker index

^۲ Divergent validity

^۳ Average Variance Extracted

عدالت	۰/۵۹۰	۰/۷۲۳	۰/۵۸۳	۰/۵۸۳		
نمادها و نشانه‌ها	۰/۶۳۰	۰/۸۳۳	۰/۵۳۶	۰/۵۴۱	۰/۶۶۴	
هویت	۰/۵۴۶	۰/۷۱۷	۰/۵۱۶	۰/۵۲۷	۰/۶۶۰	۰/۸۰۱

در ماتریس جدول شماره ۳، مقادیر روی قطر اصلی جذر مقادیر میانگین واریانس استخراج شده متغیرهای پنهان مرتبه اول و مقادیر زیر قطر اصلی، همبستگی میان متغیرها است. همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، مقادیر قطر اصلی از مقادیر زیر آن بیشتر است و این امر نشان دهنده روایی و اگرایی مناسب و برازش خوب مدل اندازه‌گیری پرسشنامه است.

بحث و نتیجه‌گیری

هر نوع مداخله در فضای شهری دارای پیامدهایی است. پیوست فرهنگی به دنبال شناسایی تأثیرات اقدامات یا سیاست‌های توسعه‌ای بر ابعاد فرهنگی محیط شهری است. پیوست فرهنگی در حوزه طرح‌های عمرانی، نقشی مهم در توسعه پایدار و همه‌جانبه شهری ایفا می‌کند. در پژوهش حاضر، بر اساس نتایج تحلیل محتوای کیفی و کمی، مهم‌ترین شاخص‌های پیوست فرهنگی پروژه دیوار ساحلی شهر پلدختر شناسایی شده‌اند. بنابراین، با توجه به نتایج بدست آمده از بخش کمی و کیفی پژوهش حاضر، در بخش گسترش تعاملات و ارتباطات اجتماعی، با توجه به تنوع قومی و نژادی در شهرستان پلدختر، مدیران بخش فرهنگی-هنری می‌توانند با ایجاد کاربری‌های متنوع برای گروه‌های مختلف اجتماعی (کودکان، سالمندان، بانوان و ...) و با توجه به نیازها و اولویت‌های فرهنگی-اجتماعی مردم بومی و گردشگران، با ایجاد ساختارهای منسجم و زنده و در نظر گرفتن فضاهای مناسب برای برگزاری جشنواره‌ها، نمایشگاه‌ها، همایش‌ها، مسابقات، آیین‌های هویت‌بخش پیرامون دیوار ساحلی و با تقویت و ساماندهی دیوارنگاری خلاقانه و ایجاد فضاهایی برای ارتباط بیشتر مردم با طبیعت و تفکر خلاقانه و برانگیختن حس کنجکاوی و تمرکز بر یادگیری، برنامه‌ریزی مناسبی داشته باشند.

همچنین مدیران فرهنگی-اجتماعی، می‌توانند در راستای گسترش هویت اسلامی-ایرانی با استفاده از سبک‌های مختلف خوشنویسی، استفاده از اشعار، حکمت‌ها و نمادها، ارائه نقوش اسلامی با محتوای کلام الهی و مفاهیم دینی به صورت خطوط و علائم هندسی، بزرگداشت و معرفی نام‌آوران، قهرمانان و نخبگان بومی و اساطیر ملی، اشاعه ارزش‌های انقلابی و ساخت تندیس‌های نمادین و ترویج ارزش‌های دفاع مقدس در ذیل پروژه دیوار ساحلی، برنامه‌ریزی مطلوبی داشته باشند.

از سوی دیگر، در راستای گسترش امنیت فیزیکی با ایجاد نظم بر اساس قانون، بررسی مکانی جرایم شهری و پیشگیری از آن‌ها و با ایجاد امنیت ذهنی و تصویری مثبت از فضای اطراف دیوار ساحلی برای شهروندان، در گسترش امنیت فرهنگی کمک مؤثری داشته باشند و به منظور توسعه عدالت و پیشگیری از قطب‌بندی شهر پلدختر، جهت دسترسی مناسب به امکانات عمومی، مکان‌یابی مطلوب عناصر شهری از نظر کالبد و عملکرد مورد نظر مسئولان قرار گیرد.

در راستای گسترش جذابیت عناصر طبیعی در اطراف دیوار ساحلی، توجه به عناصر طبیعی جهت سرزندگی و طراوت و شکل‌گیری فضاهای سبز، شناخت ظرفیت‌ها و محدودیت‌های طبیعی با زمینه اقلیمی شهر از اهمیت بسزایی برخوردار است. همچنین توجه به عناصر غیر طبیعی پیرامون دیوار ساحلی، وجود آثار هنری برای تقویت و غنابخشی ارتباطات اجتماعی، تنوع در مصالح و جداره‌ها برای ایجاد غنای حسی در فضا، توجه به مفهوم نمادین رنگ‌ها و جنبه روانشناسی آن‌ها و تناسب کارکردها با تصویر ذهنی شهروندان از ضروریات می‌باشد. از طرف دیگر، توجه ویژه به نمادها و نشانه‌ها و تأثیر عناصر عینی و بکارگیری المان‌های شهری جهت اطلاع‌رسانی و افزایش دانش عمومی، توجه به نمادپردازی جهت تحت تأثیر قرار دادن ناخودآگاه جمعی و فرهنگ شهروندی در اطراف دیوار ساحلی با توجه به فرهنگ عامه شهر مهم می‌باشد.

در راستای مطالب فوق، بهزادفر (۱۴۰۲) اجزای تشکیل دهنده منظر شهری را در سه بخش عوامل کالبدی، عوامل غیر کالبدی و فعالیت‌های انسانی مورد بررسی قرار می‌دهد و در راستای مطالب فوق، مطالعات نشان می‌دهد اجرای پروژه‌های عمرانی و سیاست‌های توسعه‌ای، با رویکرد پیوست فرهنگی، می‌تواند منجر به دگرگونی متغیرهای فرهنگی شود و این تغییرات، طیفی از ارزش‌ها و باورهای شهروندان را در بر می‌گیرد که با نتایج پژوهش حاضر همسو است. همچنین رضازاده (۱۳۸۶) در طرح پژوهشی عناصر مؤثر بر سیمای شهر را تحت عنوان سه هدف عمده بصری، عملکردی و معنایی بیان می‌کند که با نتایج پژوهش حاضر همسو است. به طوری که دیوار ساحلی در شهر پلدختر علاوه بر ایجاد امنیت، پتانسیل معنایی، اجرای نمادها و نشانه‌های بومی و ایرانی - اسلامی و اساطیر و طراحی‌های خلاقانه و نوآورانه فرهنگی - هنری و جنبه تقویت هویت‌بخشی و مکانی برای تعاملات اجتماعی را فراهم می‌سازد. ساساکی^۱ (۲۰۱۸) عناصر ضروری برای ظهور شهر خلاق را در شش دسته طبقه‌بندی کرده است. تعامل تمامی ساکنین شهر در امور و فعالیت‌های خلاقانه، هنرمندانه بودن زندگی شهروندان، حمایت از فعالیت‌های خلاق هنری و علمی شهر، داشتن یک سیاست محیطی جهت حفظ میراث تاریخی و زیست‌محیطی،

¹ Sasaki

وجود پایه اقتصادی متوازن در شهر، مدیریت‌های عمومی در شهر خلاق، متشکل از سیاست‌های شهری یکپارچه، سیاست فرهنگی یکپارچه با سیاست صنعتی و سیاست محیطی تحت مدیریت مالی عمومی است. ضمن اینکه این یافته‌ها برای سیاست‌گذاران، مدیران و برنامه‌ریزان فرهنگی در حوزه مدیریت شهری می‌تواند سودمند باشد... دبوره^۱ (۲۰۲۳) بیان می‌دارند، جهت ارتقاء هویت شهر و افزایش تعلق شهروندان می‌توان شاخص‌های زیادی را مورد توجه قرار داد که عبارتند از: افزایش احساس خاطره‌انگیزی و لذت، افزایش احساس رضایتمندی و آرامش، تنوع تجربیات حسی و تداعی خاطرات، ایجاد ارجاعات ارزشی، فرهنگی و بومی و توسعه نمادها و نشانه‌های بومی. بر اساس پژوهش نقی زاده (۱۳۸۵) مصادیق تعادل در طراحی محیط مصنوع را می‌توان در این موارد ذکر کرد؛ از طریق دسترسی متناسب کلیه واحدها جامعه به امکانات عمومی، مکان‌یابی مطلوب عناصر شهری و مجاورت متناسب و متجانس آن‌ها از نظر کالبد و عملکرد؛ تناسب مطلوب بین ابعاد فضا و کالبد آن، با ویژگی‌های روانی و جسمانی انسان، ایجاد تعادل بین طبیعت و مصنوع انسان، ایجاد تعادل بین عملکردهای پاسخگو به نیازهای معنوی و مادی انسان؛ تسهیل و تعدیل در ارتباط انسان با طبیعت.

بنابراین، با عنایت به مطالب فوق و با توجه به اهمیت مفهوم پیوست فرهنگی و به کارگیری آن در زمینه‌های مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، این پژوهش می‌تواند دیدگاه نظری و شناختی برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به این حوزه مطالعاتی فراهم آورد.

¹ Deborah

منابع

۱. ابراهیم پور، محسن (۱۴۰۲) ارزیابی آثار و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی طرح‌ها و پروژه‌ها، تهران: دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
۲. امامی، سید مجید (۱۳۹۹) پیوست فرهنگی از مفهوم تا روش، تهران: دانشگاه امام صادق.
۳. آگبرن، ویلیام فیلدینگ (۱۹۷۶) زمینه جامعه‌شناسی، ترجمه آریان‌پور، تهران: شرکت سهامی.
۴. برج، رابل جی (۱۳۹۰) راهنمای عملی ارزیابی تأثیر اجتماعی، ترجمه مرتضی قلیچ و محمد رمضانی، تهران: جامعه‌شناسان.
۵. بهزادفر، مصطفی (۱۴۰۲) «واژه‌نامه مفاهیم طراحی شهری»، طرح تحقیقاتی انجام شده در مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، دانشگاه علم و صنعت، ایران.
۶. جلیل پوراقدم، سینا؛ خوش نویس، احمد؛ میرزا کوچک؛ خاکزند، مهدی و مصطفی مسعودی‌نژاد (۱۴۰۲) «سه‌گانه محیطی، اجتماعی، کالبدی مسکن و ادراک شهروندان از عدالت (نمونه مطالعاتی: شهر تهران)»، مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، دوره یازدهم، شماره ۴: ۳۵-۶۴.
۷. جهان بخش، حیدر و علی دل زنده (۱۳۹۵) «تبیین جایگاه پیوست‌نگاری فرهنگی و بهره‌گیری از نظام مدیریت فرهنگی در شهر اسلامی ایرانی مبانی نظری و فرآیند فکری سازنده شهر اسلامی»، پژوهش‌های معماری اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۳: ۹۱-۱۱۱.
۸. رضازاده راضیه (۱۳۸۶) «اصول و معیارهای ساماندهی ضوابط و مقررات سیمای شهری»، طرح تحقیقاتی انجام شده در مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، سند اصلی مصوب طرح جامع شهر تهران.
۹. رضایی، عبدالعلی (۱۳۹۸) «درنگ و درایتی پیرامون تحلیل جامعه‌شناختی و تبیین مفهومی پیوست فرهنگی»، نامه پژوهش فرهنگی، دوره ۳، شماره ۵: ۸۸-۶۱.
۱۰. ریتزر، جرج (۱۳۸۴) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
۱۱. شربتیان، محمد حسن (۱۳۹۲) «مطالعه جامعه‌شناختی پیوست فرهنگی در حوزه مدیریت شهری»، مهندسی فرهنگی، دوره ۸، شماره ۷۶: ۱۰۷-۸۳.

۱۲. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۲) *نظام‌نامه‌ی پیوست فرهنگی طرح‌های مهم و کلان کشور*، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۳. صدرا، علیرضا و علی قنبری (۱۳۸۸) *ارزش‌های حاکم بر جامعه‌ی ایرانی*، تهران: گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی پژوهشکده‌ی تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۴. صمدی، مجتبی و علی احمدی (۱۳۹۶) «اطلس فرهنگی ایران؛ مؤلفه‌محوری در پیوست‌نگاری و مهندسی فرهنگی»، *دین و ارتباطات*، دوره‌ی ۲۴، شماره‌ی ۲ (پیاپی ۵۲): ۱۶۵-۱۳۳.
۱۵. علی‌آبادی، زینت و حمیدرضا بابایی (۱۳۹۶) «تحلیل تأثیر طرح‌های توسعه‌ی شهری بر ساختار فضایی خرد و کلان شهرها، مطالعه‌ی موردی طرح محور زینبیه شهر زنجان»، *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۴: ۶۷۰-۶۴۵.
۱۶. علی‌نژاد، منوچهر؛ پورگنجی، ابوالفضل و حسین دارابی (۱۳۹۸) «ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی پروژه‌ی ارتقاء کیفی میدان مشق تهران»، *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، دوره‌ی ۸، شماره‌ی ۲: ۳۶۲-۳۳۳.
۱۷. فاضلی، محمدباقر (۱۳۹۹) *پیوست اجتماعی و فرهنگی در مدیریت شهری تهران*، همایش مدیریت استراتژیک فرهنگی. شهرداری تهران.
۱۸. محسنی، منوچهر (۱۴۰۲) *بررسی جامعه‌شناسی فرهنگی ایران*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۹. محمودی، امیر سعید (۱۳۸۵) *تبیین عوامل مؤثر در ساماندهی سیمای شهری: تدوین و پیشنهاد ضوابط هماهنگ‌سازی سیمای شهری در شهرهای دو منطقه‌ی کویری و خزری از شش منطقه‌ی اقلیمی کشور*، جلد اول و یازده، طرح پژوهشی مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی.
۲۰. نقی‌زاده محمد (۱۳۸۵) *معماری و شهرسازی اسلامی*، اصفهان: نظام مهندسی

21. Deborah S. (2023) *Cities and Urban Cultures*, Open University Press, Philadelphia

22. Landry C. (2023) *Creative City Index Comfortable or Captivating, an assessment of Palmerston North*, Print synergy & Published by Palmerston North City Council.

23. Rotmans, J and Van Asslt, M. (2018) **Policies and innovations in developing countries**. Westport: Greenwood Praeger Press.
24. Sagana, K.B Urama (2023) **Framework for Cultural Impact Assessment**, international Nework for cultural Dirersity (INCD).
25. Sasaki M.(2018) «Developing Creative Cities Through Networking», **Policy Science**, V15,No.3:17-30.